



نقش و تأثیر بندگی الهی در نظام توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن

اصغر رجیبی ده برزوئی^۱

صالح حسن زاده^۲

محمد بیدگلی^۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین مباحث در نظامهای اقتصادی، نحوه توزیع ثروت در میان افراد جامعه است. نظامهای اقتصادی متناسب با مبانی خود، اغلب سعی کرده‌اند سازوکارهایی را برای توزیع ثروت معرفی کنند. نظام اقتصادی اسلام (که نظامی عدالت‌محور است) بر مبنای بندگی الهی به ارائه سازوکار و راهکارهایی برای توزیع ثروت میان افراد جامعه پرداخته است. **هدف:** بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش بود که بندگی الهی چه نقش و تأثیری در توزیع عادلانه ثروت از دیدگاه قرآن پیشنهاد می‌دهد؟ **روش:** این پژوهش با روش تحلیلی-تفسیری انجام شد. **یافته‌ها:** نظام اقتصادی اسلام با توجه به بندگی الهی به ارائه سازوکار توزیع عادلانه مبتنی بر سه اصل (کار و تلاش، مالکیت، حد کفایت و نیاز). همچنین راهکارهایی از دیدگاه قرآن می‌پردازد تا انسان به اهداف الهی خود در بعد مادی و معنوی نایل شود. **نتیجه‌گیری:** توزیع ثروت در نظام اقتصادی اسلام در قبل و بعد از تولید، بر اساس معیار کار و مالکیت از یک سو و حد کفایت و نیاز از سوی دیگر، تأمین‌کننده عدالت است.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، بندگی الهی، توزیع عادلانه، قرآن.

دریافت مقاله: ۹۹/۰۹/۱۰؛ تصویب نهایی: ۹۹/۱۱/۳۰

۱. دکتری معارف اسلامی، گرایش مبانی نظری اسلام، استادیارگروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (نویسنده مسئول) / نشانی: بزرگراه شهید بابایی، خیابان شهید صدوقی، بلوار شهید عباسپور، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال / شماره:

Email: asgharrajabi021@gmail.com / ۰۲۱۷۷۰۰۹۸۴۸

۲. دکتری فلسفه غرب، دانشیارگروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی.

۳. دکتری علوم سیاسی، مسائل ایران، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین- پیشوا و قرچک.

الف) مقدمه

دین اسلام مجموعه‌ای از اعتقادات، بایدها و نبایدها و توصیه‌هایی منسجم است که از اراده تشریحی خداوند برای هدایت انسان سرچشمه گرفته است. این مجموعه منسجم در راستای هدایت انسان، به ارائه برنامه‌ای برای زندگی دنیوی انسان پرداخته است. آموزه‌های دینی با تشویق به سرمایه‌گذاری و صبغه دینی دادن به کار، افزایش تولید را در سطح جامعه سبب می‌شود و با سوق دادن مسلمانان به فراگیری دانش، موجبات تقویت سرمایه انسانی را فراهم می‌کند. در حوزه مصرف، ضمن اینکه مسلمانان را از استفاده از مواهب الهی منع نمی‌کند، با تحریم اسراف و اتلاف و با تشویق روحیه قناعت در بین مردم، از هدر رفتن منابع جلوگیری می‌کند. همچنین مسئله عدالت و توزیع عادلانه یکی از ویژگی‌های نظام اقتصادی اسلام است که ضمن محترم شمردن تلاش افراد، از تکاثر ثروت توسط عده‌ای جلوگیری می‌کند. محقق در این مقاله به دنبال نقش دین اسلام، به خصوص بندگی الهی در توزیع عادلانه ثروت است.

در مکاتب اقتصادی رایج، بحث چگونگی تقسیم و توزیع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روشن است نظام اقتصادی‌ای می‌تواند موفق باشد که بتواند با ارائه راهکارهای دقیق و عادلانه، ثروتهای طبیعی را به گونه‌ای توزیع کند که هر کس به سهم واقعی خود برسد.

در نظام سرمایه‌داری چون حق آزادی اقتصادی به طور مطلق پذیرفته شده است، «رقابت آزاد» مبنای توزیع ثروتهای طبیعی است؛ یعنی هر کس با هر وسیله و قدرتی (حتی با ادوات مدرن امروزی) می‌تواند هر مقدار از منابع طبیعی را به مالکیت خصوصی خویش درآورد و تصاحب کند و لذا منابع عظیم طبیعی در انحصار سرمایه‌داران بزرگ قرار می‌گیرد. (دادگر و رحمانی، ۱۳۸۰: ۱۸۷)

مکتب اقتصادی سوسیالیسم نیز که به دنبال جلوگیری از تراکم ثروت در دست طبقه‌ای خاص بود، تمام منابع و ابزار تولید را در اختیار جامعه و دولت قرار می‌داد و مالکیت خصوصی بر منابع طبیعی را مردود می‌شمرد و تنها درآمد افراد را بر اساس عنصر کار تعریف می‌کرد؛ یعنی هر کس با کاری که انجام می‌دهد، مزدش را می‌گیرد، ولی مالک ماده خام موجود در طبیعت نمی‌شود. هر یک از این دو نظام اقتصادی، یکی از دو عنصر «کار» و «مالکیت» را نادیده گرفته‌اند؛ لذا نمی‌توانند معیار درستی در توزیع عادلانه باشند. (دق‌همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ۲۶۵)

این در حالی است که اسلام، سهم هر یک از این دو عنصر را متناسب با نیازها و واقعیتهای تنظیم کرده است. هدف نظام اقتصادی اسلام با تکیه بر وحی این است که با ایجاد ارتباط بین انسان و خداوند، حالت بندگی را در او ایجاد کند. لذا باید این بندگی در همه ابعاد زندگی، به خصوص در نظام اقتصادی، خود را نشان دهد.

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی- تفسیری و تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که بندگی الهی چه نقش و تأثیری در توزیع عادلانه ثروت از دیدگاه قرآن پیشنهاد می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده این

۵۰۰ نقش و تأثیر بندگی الهی در نظام توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن

است که نظام اقتصادی اسلام با توجه به بندگی الهی از دیدگاه قرآن، به ارائه سازوکار توزیع عادلانه در دو حوزه توزیع قبل از تولید و توزیع بعد از تولید مبتنی بر سه اصل کار و تلاش، مالکیت و تضمین حد کفایت و نیاز با انفاقات (واجب و مستحب) برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه می‌پردازد تا انسان به اهداف مد نظر مکتب اسلام در بعد مادی و معنوی نایل شود. همچنین قرآن در تحقق توزیع عادلانه، راهکارها و دستوراتی را خطاب به افراد جامعه (به ویژه ثروتمندان) و حاکمان اسلامی بیان می‌کند.

پیشینه تحقیق

در طول تاریخ، مطالعه اقتصاد به معنای وسیع کلمه، هیچ وقت جدا و مستقل از مطالعه علوم اجتماعی نبوده است. به عبارت دیگر؛ اقتصاد به عنوان یک علم اجتماعی، به مطالعه مسائل و امور اقتصادی پرداخته است. درباره نقش دین در اقتصاد، کتابها و مقالاتی نوشته شده است. البته مسئله توزیع در ادبیات اقتصادی اغلب با بحث عدالت همراه بوده است. با توجه به موضع دین اسلام درباره عدالت، توزیع عادلانه دغدغه اصلی آموزه‌های اسلامی است و نویسندگان حوزه اقتصاد اسلامی به این مسئله پرداخته‌اند. در میان نظریه‌پردازان اسلامی، بدون تردید شهید صدر یکی از پیشگامان استفاده از تحلیل‌های فلسفی در مطالعات اقتصاد اسلامی، به ویژه در زمینه نقد مبانی فلسفی نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیسم است. با مطالعه آثار ایشان این گونه استنباط می‌شود که دولت اسلامی وظیفه دارد با وضع مقررات قانونی و با ازدیاد ثروت عمومی و بی‌نیاز کردن افراد جامعه، شرایطی را فراهم کند تا تمامی افراد بتوانند از امکانات و موقعیتهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، شغلی و آموزشی موجود به صورت مساوی برخوردار شوند.

استاد مطهری در کتاب «نظری به نظام اقتصادی اسلام» بیان داشته است که در اسلام به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی توجه شده است (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۶). ایشان عدالت اجتماعی را عبارت از ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان و رفع موانع برای همه به طور یکسان می‌داند.

با قوت گرفتن ادبیات اقتصاد اسلامی در زمینه‌های اقتصادی، برخی از اقتصاددانان مسلمان به سمت و سوی مباحث فلسفی و روشی در اقتصاد اسلامی تمایل پیدا کردند؛ کتابها و مقالات متفکرانی همچون: مندر کھف (۲۰۰۰)، محمد انس زرقا (۱۹۹۰) و محمد عمر چیرا (۲۰۰۰) را می‌توان نمونه‌ای از این آثار دانست. در میان نظریه‌پردازان غربی نیز سیاستهای توزیعی (عادلانه) مورد بحث و گفتگوست و طرفداران و مخالفان خاص خود را دارد. از مهم‌ترین موافقان آن می‌توان به جان رالز اشاره کرد که کتاب «نظریه عدالت» او که اولین بار در سال ۱۹۷۱ به چاپ رسید، شرحی مبسوط و تفصیلی از این دیدگاه اوست. به نظر هندرسون و کوانت، تا این اواخر اکثر اقتصاددانان بر این باور بودند که مقایسه میان افراد، خارج از حوزه تحلیل‌های اقتصادی است. در نتیجه آنها مطلبی درباره توزیع درآمد و عدالت نگفته‌اند یا اگر گفته‌اند بسیار ناچیز است.

اصغر رجبی ده برزوئی و همکاران ♦ ۵۰۱

به هر حال، این برخورد اقتصاددانان در حال دگرگونی است و موضوعات توزیع عادلانه درآمد و عدالت، آشکارا در نظریه اقتصاد مطرح می‌شود. از مهم‌ترین مخالفان سیاستهای توزیعی جان رالز در غرب نیز می‌توان به فردیش فون‌هایک با کتاب «قانون، قانونگذاری و آزادی: سراب عدالت» و رابرت نوزیک با کتاب «آنارشی، دولت و ناکجاآباد» اشاره کرد.

در مجموع گرچه کتابهای تفسیری مانند المیزان، نمونه، تبیان، کشف، کبیر و ... و مقالات اقتصادی در این زمینه نگاشته شده است و بحثهای جامع و کاملی کرده‌اند، ولی از زاویه بندگی الهی به این موضوع از دیدگاه قرآن نپرداخته‌اند که در این تحقیق، بررسی خواهد شد.

ب) بندگی الهی

ساختار ارتباطی انسان در چهار حوزه شکل می‌گیرد: رابطه با خالق، خویش، انسانهای دیگر و محیط زیست. از منظر قرآن، نوع رابطه انسان با خداوند، باید رابطه بندگی و پرستش باشد: «و اینکه مرا پرستید، این است راه مستقیم» (یس: ۶۱). اکنون این پرسش مطرح می‌شود که عبودیت و بندگی الهی چیست؟

عبادت از ریشه «عبد» به معنای نهایت خضوع و تذلل است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ۹۳) و در اصطلاح، به معنای مراقبت بر افعال و اوامری است که خداوند فرمان داده است (همان، ج ۳، ۹۵). چون عبادت، اعلی مراتب خضوع است، پس لایق نیست مگر برای کسی که اعلی مراتب وجود و کمال و اعظم مراتب نعم و احسان را دارد. (امام خمینی، ۱۳۹۱، ج ۲، ۱۹۰)

البته از نظر آموزه‌های دینی، عبادت دو نوع کاربرد دارد:

اول؛ عبادت به معنای خاص است که به عباداتی همچون نماز و روزه و حج اطلاق می‌شود.

دوم؛ عبادت به معنای عام که عبارت است از انجام هر کاری با نیت خالص برای رسیدن به هدف نهایی (قرب الهی)؛ همانند کار و تلاش برای رفاه خانواده و ...

از این رو، عبادت و بندگی در آموزه‌های دینی دارای معنای گسترده‌ای است که شامل امور اقتصادی نیز می‌شود.

البته باید توجه داشت که همه هستی، خواسته یا ناخواسته، مشغول ستایش و بندگی‌اند: «آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تسبیح خدا می‌گویند، خدایی که فرمانروای پاک، شکست‌ناپذیر و حکیم است» (جمعه: ۱). اما این بندگی تکوینی است و در کمال انسان نقشی ندارد. آنچه در کمال انسان نقش دارد، بندگی از روی اختیار است. در غیر این صورت می‌بایست سنگ و کوه نیز با بندگی تکوینی خویش به کمال نهایی می‌رسیدند. اهمیت و ارزش بندگی اختیاری به حدی است که خداوند متعال در قرآن، هدف

۵۰۲ ♦ نقش و تأثیر بندگی الهی در نظام توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن

غای خلیقت جن و انس را عبادت و بندگی می‌داند: «جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا بندگی کنند» (ذاریت: ۵۶). پس عبد در تمام هستی و کمالات، خویش را مدیون مولای خود می‌داند؛ از این رو، در تمام جوانب زندگی (مادی و معنوی) خود را تسلیم پروردگار می‌کند.

امور اقتصادی، بخش مهمی از زندگی انسان را به خود اختصاص می‌دهند. لذا دین اسلام برای اقتصاد، یک مرکزیت اصلی قائل است و در کنار توصیه به اصلاح امر آخرت، به سامان بخشیدن دنیا هم سفارش می‌کند. لذا بندگی الهی در امور اقتصادی، انسان را به اطاعت و فرمانبرداری از خداوند متعال برمی‌انگیزد.

ج) نظام توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن

یکی از مهم‌ترین مباحث در نظام اقتصادی اسلام، نحوه توزیع ثروت در میان افراد جامعه است؛ زیرا هر فعالیت تولیدی، با فعالیت دیگری به نام توزیع همراه است. توزیع در لغت به معنای تقسیم، پخش و پراکندگی است، ولی در اصطلاح به معنای تقسیم درآمد کل جامعه بین اعضای طبقات اجتماعی آن است (رجایی، ۱۳۸۶: ۱۵۹) یا به معنای تخصیص و تقسیم متوازن ثروت‌های طبیعی و درآمدهای اقتصادی بین افراد جامعه است؛ به گونه‌ای که هر کس به سهم واقعی خود برسد و حاصل فعالیت‌های اقتصادی‌اش به وی برگردد. (خلیلیان، ۱۳۸۴: ۱۲۷)

از طرفی باید توجه داشت که قرآن، عدالت را در زمره ارزش‌های والا و برقراری آن را از اهداف انبیا بر می‌شمارد: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید: ۲۵). عدالت در لغت به معنای برابری، استقامت، انصاف، حد وسط میان امور و مفهومی است در مقابل ظلم و جور (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۳۶) و در اصطلاح، به معنای واقعی کلمه آن است که هر چیزی در جای خود باشد؛ یعنی دادن حق هر صاحب حق (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۱ ج ۳۶۶). به عبارت دیگر؛ قرار دادن امور در مواضع خود، به مثابه روایتی از علی (ع). (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۷)

یکی از مهم‌ترین ابعاد عدالت اقتصادی، عدالت در توزیع است. عدالت در توزیع اقتضا می‌کند که شکاف شدید طبقاتی در گروه‌های درآمدی جامعه وجود نداشته باشد. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند سعادت‌مند شود، مگر با نزدیک شدن طبقات درآمدی آن جامعه در بهره‌مندی از مزایای زندگی. (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۱۵ ج ۱۷۰)

اسلام به اصل عدالت، نه به عنوان یک خلق و خوی فردی، بلکه به عنوان اصلی راهبردی می‌نگرد که باید به صورت ملکه‌ای در جان مسلمان رسوخ کند و در سراسر زندگی‌اش، به ویژه در حوزه توزیع ثروت جریان یابد. این اصل راهبردی در حوزه توزیع ثروت با دو هدف عمده دنبال می‌شود:

اصغر رجبی ده برزوئی و همکاران ♦ ۵۰۳

الف) نفی افراط و تفریط مالی و از میان برداشتن «فقر» و «تکاثر»؛ از آیات قرآن استفاده می‌شود که مشکلات اقتصادی بشر، ناشی از کمبود مواد اولیه یا بخل طبیعت نیست، بلکه علت اساسی آن توزیع ناعادلانه و بهره‌وری نادرست از امکانات موجود است. اسلام، رشد تولید همراه با توزیع عادلانه را ضروری دانسته است؛ زیرا این دو از یکدیگر بی‌نیاز نیستند. تولید انبوه بدون عدالت در توزیع، موجب انحصار و بهره‌کشی و عدالت در توزیع بدون تولید کافی، موجب توزیع فقر و بیچارگی است که اسلام هر دو را رد می‌کند. نتیجه اینکه، فقر از دیدگاه اسلام دو بعد دارد: بعد نخست به فراوانی تولید و بعد دوم به عدالت در توزیع مربوط است.

قرآن پس از شمردن نعمتهای الهی، می‌فرماید: «و از هر چه که از او خواستید به شما عطا کرد و اگر بخواهید نعمتهای خدا را بشمارید نمی‌توانید. به یقین انسان ستم‌پیشه و ناسپاس است» (ابراهیم: ۳۴). از عبارت «ان الانسان لظلوم کفار» (انسان ستم‌پیشه و ناسپاس است) استفاده می‌شود که بشر امکانات خدادادی را با ناسپاسی هدر می‌دهد و به تعبیر شهید صدر، واژه «ظلوم» بیشتر در توزیع نابرابر ثروتها و واژه «کفار» بیشتر در مصارف بی‌رویه منابع و اهمال در حفظ و نگهداری آنها ظهور می‌یابد. (صدر، ۱۳۸۷: ۲۳۳-۲۳۲)

ب) برخوردار شدن «همه مردم» از «همه امکانات مادی»؛ به گونه‌ای که رفاه و آسایش ویژه اقلیتی ثروتمند نباشد؛ همان‌گونه که قرآن هنگام سفارش به استفاده از نعمتها، همگان را مخاطب قرار می‌دهد و ثروتها و منابع را در خدمت همه انسانها می‌داند: «و به راستی شما را در زمین تمکین دادیم و برای شما در آن انواع معیشتها نهادیم، اما اندک سپاسگزارید» (اعراف: ۱۰). (محسنی، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۷)

البته مشکل تقسیم‌داری‌ها بین مردم و به ویژه در عصر حاضر، از مهم‌ترین مشکلات به شمار می‌رود، زیرا موجب تقسیم جامعه به دو قطب می‌شود: گروههای ثروتمند و گروههای فقیر. از طرفی، رفاه عمومی مهم‌ترین هدف برنامه‌های اقتصادی جوامع است. این هدف با تکیه بر سیاستهای رشد اقتصادی امکان‌پذیر است. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا از منظر دینی، رشد اقتصادی اصل است یا عدالت اقتصادی؟ زیرا گاه رشد اقتصادی هست، ولی فقر هم وجود دارد. آیا این رشد اقتصادی مطلوب است یا اینکه رشد اقتصادی با نبودن فقر مطلوب است که آن را عدالت اقتصادی می‌گوییم؟

در جواب باید گفت، از دیدگاه قرآن، اهتمام به برقراری عدالت و رفع فقر از مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی است که قرآن، مأموریت یافتن پیامبر(ص) را بر آن یادآوری می‌کند: «من مأمورم در میان شما عدالت را برقرار کنم» (شوری: ۱۵). در نتیجه، حکومتهای دارای پسوند دینی باید عدالت و رفع فقر را به عنوان یک هدف دنبال کنند. لذا بسیاری از نویسندگان مسلمان معتقدند که اساساً در تفکر دینی، رشد اقتصادی تنها در چارچوب نگرش عدالتخواهانه دین معنا دار است. سید ابوالاعلی مودودی معتقد است همراهی عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی، ویژگی بارز و خط مشی اصلی توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام

۵۰۴ نقش و تأثیر بندگی الهی در نظام توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن

است (خورشید، ۱۳۷۴: ۲۶۹). محمد عمر چپرا، شوقی احمد دنیا و ابراهیم العسل نیز معتقدند توسعه اقتصادی از نظر دین، در جوهر و ذات خویش، عدالت اقتصادی را در بر دارد. از این نظر، هر اندازه تولیدات جامعه افزایش یابد، اما سطح معیشتی شایسته برای آحاد افراد جامعه تحقق نیابد، از نظر دینی نمی‌توان نتیجه را پیشرفت و توسعه نامید (شوقی فنجری، ۱۴۰۲: ۸۸). محمد شوقی فنجری از چهره‌های برجسته اقتصاد اسلامی تصریح می‌کند که اسلام هرگز ثروت و غنای عده‌ای را با وجود فقر و محرومیت گروهی دیگر امضا نمی‌کند. به اعتقاد وی، تا زمانی که جامعه به سطح و حد کفایت در زندگی دسترسی پیدا نکرده است، تفاوت‌های درآمدی مجاز نخواهد بود. (همان: ۳۵۸)

از دیدگاه شهید صدر گرچه یکی از اهداف اقتصادی، رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرائه جامعه است، اما رشد اقتصادی هدف نهایی و اصیل محسوب نمی‌شود، بلکه ابزار و طریقی برای رفاه عموم افراد جامعه است. لذا رشد اقتصادی در چارچوب تفکر توزیعی دین معنادار است. شهید صدر با استناد به نامه امیرالمؤمنین علی (ع) به مالک اشتر بیان می‌دارد که گرچه رشد اقتصادی هدفی از اهداف جامعه است، اما آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است، تأثیر رشد اقتصادی بر زندگی عموم مردم است. رشد اقتصادی در نظام اسلامی به مقدار و میزانی هدف است که بتواند در زندگی مردم منعکس شود. سپس وی این نکته زیبا را بیان می‌کند که اگر جامعه، استعداد و امکانات خویش را در خدمت رشد اقتصادی قرار دهد و جنبه توزیعی رشد مغفول واقع شود، جامعه به هدف نهایی خود نایل نمی‌شود. این در حالی است که در تفکر دینی، رشد اقتصادی ابزاری برای رسیدن به اهداف عالی است. لذا شهید صدر به رشد اقتصادی در چارچوب عدالتخواهی دین معتقد است و بر رشد اقتصادی که فقر و نابرابری را در جامعه دامن می‌زند، خط بطلان می‌کشد. (صدر، ۱۳۸۷: ۶۴۳-۶۳۸)

د) نقش و تأثیر بندگی الهی در ارائه سازوکار توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن

بندگی الهی به ما می‌آموزد که با خود و دیگران چگونه رفتار کنیم تا کمالات شایسته انسانی را به دست آوریم و به هدف غایی خلقت خویش (قرب الهی) برسیم. قرآن اصرار دارد به انسان بیاموزد که از عوامل زمینه‌ساز تا عوامل مباشر در تولید، همه مخلوق خدایند. حتی درباره نظام توزیع می‌فرماید: «کلیدهای آسمان و زمین از آن اوست. برای هر کس بخواهد روزی را گشایش می‌دهد یا تنگ می‌گیرد. همانا او به هر چیزی آگاه است» (سوری: ۱۲). خلاصه اینکه اگر چشم دل انسان باز شود، در تولید و توزیع و مصرف، ذات حق و تجلی توحید را مشاهده می‌کند (رجایی، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۹). بر این اساس، نظام اقتصادی اسلام، سازوکار توزیع عادلانه خود را در دو حوزه توزیع قبل از تولید و توزیع بعد از تولید، مبتنی بر سه اصل کار و تلاش، مالکیت و حد کفایت و نیاز، به شرح ذیل بیان می‌دارد:

اصغر رجبی ده برزوئی وهمکاران ♦ ۵۰۵

اصل اول: اقتصاد اسلامی بر کار و تلاش استوار است. در فرهنگ قرآن، واژه‌هایی که برای «کار اقتصادی» استعمال شده عبارتند از: «استجره» (قصص: ۲۶)، «یضربون فی الارض» (مزل: ۲۰)، «لتبتغوا فضلا من ربکم» (اسراء: ۱۲). از آنجا که «کار» اهمیت فوق‌العاده‌ای در حیات فردی و اجتماعی بشر دارد، اسلام تأکید ویژه‌ای بر کار و تلاش انسان دارد. قرآن کریم به صراحت همه بهره‌مندی‌های انسان را در گرو کار و تلاش او می‌داند: «و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.» (نجم: ۳۹)

در بینش اسلامی، تملک منابع طبیعی - تحت شرایطی خاص - بر اصل «کار» نهاده شده است. اسلام با طرح اصل «کار»، از انباشته شدن ثروت در دست طبقه‌ای ویژه جلوگیری کرده و زمینه بهره‌وری عمومی از منابع طبیعی را فراهم آورده است. از منظر قرآن، مالکیت خصوصی افراد جامعه محترم شمرده می‌شود و کسی حق ندارد بدون اذن و اجازه، در اموال و ثروت اشخاص تصرف کند: «مردان و زنان از آنچه به دست می‌آورند، بهره‌مند می‌شوند» (نساء: ۳۲). آری حیات بشر بر کار و کوشش استوار است و ربا باعث می‌شود عده‌ای به خاطر ثروت بسیار و بی‌نیازی بیرون از حد، کار نکنند و عده‌ای دیگر نیز به خاطر محرومیت، از کار محروم باشند. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۶۶۱)

البته مسئولیت در قبال کار، گذشته از این موارد و مهم‌تر از همه، در قبال خداوند وجود دارد که شاهد و ناظر همه اعمال انسان است. این احساس مسئولیت در برابر خدا نسبت به همه اعمال است و لذا نسبت به کار، به معنای محدودتر و مضیق‌تر این واژه در امور اقتصادی، حتی تا آن سوی مرگ نیز امتداد می‌یابد و با کمال غایی انسان به عنوان موجودی نامیرا و جاودان ارتباط دارد. (نصر: ۱۳۸۶: ۶۷)

اصل دوم: از نظر اقتصاد اسلامی، هم مالکیت خصوصی و هم مالکیت عمومی پذیرفته شده است، اما با سازوکار خاص خود؛ زیرا نفی مالکیت عمومی - که نظام سرمایه‌داری مدعی آن است - و نفی مالکیت خصوصی - که سوسیالیست‌ها مدعی آن می‌باشند - هر دو نقض غرض است و انسان را از رسیدن به هدف واقعی و تکامل بازمی‌دارد؛ زیرا دانشمندان اقتصاد شکی در این ندارند که تنها علت شیوع کمونیسم در جهان و پیشرفت مرام اشتراکی، همین تراکم فاحش ثروت نزد افرادی انگشت‌شمار است. البته خودنمایی و تظاهر این افراد به مزایای زندگی نیز بی‌اثر نیست و آتش کینه محرومان را تیزتر می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۶۰۰)

از طرفی، نظامهای سوسیالیست، مالکیت خصوصی افراد جامعه را از بین بردند و ارزشی برای اموال و ثروت افراد قائل نشدند. مردم به کارگرانی مبدل شدند که اجرت واقعی ایشان به نفع دولت مصادره می‌شد و آنان به ثروتی دست نمی‌یافتند و تنها به مقدار ضرورت، بعضی از نیازهایشان رفع می‌شد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۳۰). اسلام مالکیت خصوصی را محترم شمرده است، اما زیاده‌روی در آن را نمی‌پذیرد؛ به طوری که همه امور در منافع شخصی و فردی خلاصه شود و در توییح آنان در قرآن می‌فرماید: «بگذار آنان بخورند و بهره گیرند و آرزوهایشان را غافل کنند، ولی به زودی خواهند فهمید.» (حجر: ۳)

۵۰۶ نقش و تأثیر بندگی الهی در نظام توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن

به عقیده شهید صدر، نظریه اسلام درباره مالکیت، درست‌ترین، واقع‌بینانه‌ترین و منطقی‌ترین نظریه در میان دیگر دیدگاهها به شمار می‌رود. ایشان مالکیت‌های پذیرفته شده در اسلام را به سه دسته مالکیت خصوصی، مالکیت دولتی و مالکیت عمومی تقسیم کرده است (صدر، ۱۳۸۷: ۴۱۳). بر این اساس، مالکیت دولتی را معادل مالکیت امام مسلمین بر مواردی مانند خمس و انفال و مالکیت عمومی را نیز معادل مالکیت عموم مسلمانان بر اراضی آبادی که به دست سپاه مسلمین فتح شده می‌داند. مالکیت خصوصی نیز یعنی هر فردی مالک دسترنج خود است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۱۲۵-۱۲۴)

لذا در نظام اقتصادی اسلام، بسیاری از منابع روزمینی و زیرزمینی برای افراد قابل تملک نیست و در اختیار حاکم اسلامی قرار می‌گیرد تا بر توزیع و چگونگی بهره‌برداری از آنها نظارت لازم و کافی صورت گیرد. روشن است که اگر مالکیت منابع طبیعی مانند زمین، معادن، چشمه‌ها، آبها و مانند آن در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد، با تمرکز درآمد، قطبهای بزرگ ثروت به وجود می‌آید و فاصله طبقاتی شدیدی در جامعه پدید خواهد آمد. حکومت می‌تواند با نظارت و اعمال قدرت خود، هم چرخ تولید را به حرکت درآورد و هم از تمرکز ثروت پیشگیری کند. حکمت این نوع از مالکیت از نظر قرآن کریم، تأمین عدالت اجتماعی عنوان شده است: «آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نشود! آنچه را رسول خدا برای شما آورده، بگیریید (و اجرا کنید) و از آنچه نهبی کرده، خودداری کنید؛ و از (مخالفت) خدا پرهیزید که خداوند کیفیتش شدید است!» (حشر: ۷). بدین ترتیب، می‌توان دریافت که اسلام با کنترل صحیح و توزیع عادلانه ثروت، عدالت اقتصادی را پی‌ریزی کرده است. (محمودی گلیاگانی، ۱۳۸۵: ۸۱)

اصل سوم: تضمین «حد کفایت و نیاز» با انفاقات (واجب و مستحب) برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه. نظام اقتصادی اسلام علاوه بر دو اصل پیشین، اصل دیگری را هم برای عادلانه بودن توزیع بیان می‌کند که ما از آن به «حد کفایت و نیاز» تعبیر می‌کنیم. به عبارت دیگر؛ ثروتهای طبیعی در اسلام به همه تعلق دارد و هر کس می‌تواند با «کار» به سهم خویش برسد، ولی در جامعه همیشه افرادی (بیماران، سالخورده‌گان، کودکان و ...) یافت می‌شوند که نمی‌توانند با کار به سهم خود دست یابند یا کارشان نیازشان را بر طرف نمی‌کند. اسلام، حقوق این بخش از جامعه را با انفاقات (واجب و مستحب) تأمین کرده است.

انفاق از ماده «نفق» و «نفق الشی» به معنای «مضی و نفد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۲۳) و نیز به معنای سرآمدن و فانی شدن است. در واقع نفق و نفد به یک معنایند (زمخشری، ۱۴۱۵: ج ۱: ۴۱)؛ زیرا منافق از ایمان خارج شده یا ایمان را از قلبش خارج می‌سازد (قرطبی، ۱۴۰۱: ج ۱: ۱۶۱). برخی مفسران، انفاق را چنین تعریف کرده‌اند: انفاق خارج ساختن چیزی از ملک خود و به ملک دیگری درآوردن است. (طوسی، ۱۳۰۰: ج ۲: ۱۵۱)

اصغر رجبی ده برزوئی وهمکاران ♦ ۵۰۷

قرآن با واژه‌هایی مانند انفاق، صدقه، قرض به خداوند، زکات، جهاد با مال و احسان، اهمیت انفاق را بیان و مردم را به آن تشویق می‌کند. قرآن، فواید انفاق را دوسویه می‌داند؛ فقیر از فقر مالی، رها و ثروتمند از شدت نیاز به ثروت، بی‌نیاز می‌شود و از گرفتاری‌های ناشی از عشق به مال و حب دنیا نجات می‌یابد (رجایی، ۱۳۸۶: ۲۰۰). ضرورت تعدیل حب مال در درون انسان و به اصطلاح تطهیر و تزکیه صاحبان ثروت، کمتر از ضرورت رفع فقر نیست.

علامه طباطبایی ذیل آیه «از اموال آنها صدقه‌ای بگیری تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی» (توبه: ۱۰۳)، می‌نویسد: تطهیر به معنی برطرف کردن چرکها و پلیدی‌ها از چیزی است که بخواهند پاک و صاف شده، آماده رشد و برکاتش ظاهر شود؛ مانند درخت که با هرس کردن شاخه‌های زایدش، نموش بهتر و میوه‌اش درشت‌تر می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۳۹۷)

برخی از مفسران می‌نویسند: با این کار، آنها را پاک می‌کنی و نمو می‌دهی. مفاسد و آلودگی‌هایی که در جامعه به خاطر فقر و فاصله طبقاتی و محرومیت گروهی از جامعه پدید می‌آید، با انجام این فریضه الهی برمی‌چینی و صحنه اجتماع را از این آلودگی‌ها پاک می‌سازی و نیز همبستگی اجتماعی و نمو و پیشرفت اقتصادی در سایه این گونه برنامه‌ها تأمین می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۸: ۱۱۷)

قرآن کریم برخی از انفاقات از قبیل زکات، خمس، کفارات مالی و اقسام فدیة را واجب و برخی از صدقات از قبیل وقف، بخششها و غیر آن را مستحب فرموده است، که در آیات فراوانی دیده می‌شود. غرض خداوند در آیات این بوده که بدین وسیله طبقات پایین را که نمی‌توانند بدون کمک مالی از ناحیه دیگران حوائج زندگی خود را برآورند، حمایت کند تا سطح زندگی‌شان را بالا ببرد، تا افق زندگی طبقات مختلف را به هم نزدیک سازد و اختلاف میان آنها را از نظر ثروت و نعمات مادی کم کند. با اینکه انفاق استحباب دارد، بدون تردید مراحلی از آن واجب (کفایی) است (رجایی، ۱۳۸۶: ۲۱۱). علامه طباطبایی، انفاق در حد تأمین ضرورت‌های اولیه را به صورت انفاق لازم می‌داند و می‌نویسد: به حدی که بتواند کمر راست کند و نیاز خود را رفع کند. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۲۰: ۱۸۰)

نکته‌ای که در اینجا به اجمال به آن اشاره می‌شود، تعریف فقیر است. در اصطلاح فقهی، نوعاً فقیر به کسی گفته می‌شود که از عهده تأمین مخارج خود و کسانی که نانخور اویند، برنیاید. (یزدی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۳۰۶)

در چنین اقتصادی، هیچ فردی به واسطه امری خارج از اراده خودش، گرسنه و محروم نمی‌ماند. البته تفاوت درآمدها به سبب تفاوت در استعدادها و توانایی‌های جسمی و روحی که نمود آن در کار و مالکیت است، وجود خواهد داشت؛ اما این تفاوت و اختلاف به گونه‌ای قانونمند است که در توازن اقتصادی میان افراد جامعه خللی پدید نمی‌آورد و اجازه نمی‌دهد جامعه طبقاتی شود یا به افراد ستم شود.

۵۰۸ نقش و تأثیر بندگی الهی در نظام توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن

ماوردی می‌گوید: «از زکات آنقدر به فقیر و مسکین باید داده شود تا از مرتبه فقر و مسکنت درآید و به حداقلی از درجه غنا برسد» (ماوردی، ۱۹۹۶: ۱۲۲). او می‌گوید: «اندازه عطا به اندازه کفایت است» (همان). بر امام واجب است که از خدا بترسد و اموال را در جای خودش به مصرف برساند؛ پس فقیری را از خود دور نکند، مگر اینکه از زکات آنقدر به او بدهد تا او و خانواده‌اش را بی‌نیاز سازد و اگر برخی از مسلمانان نیازمند باشند و در بیت‌المال چیزی از زکات موجود نباشد، امام باید از موارد دیگر بیت‌المال به اندازه نیاز فقیر به او بدهد (سرخسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ۱۸). حد کفایت با تغییر زمانها و شرایط و حالات گوناگون تغییر می‌کند. (شاطی، ۱۳۴۱، ج ۱: ۱۰۴)

علاوه بر این موارد، نفقات واجب را می‌توان از ارکان یا از محورهای اصلی سازوکار توزیع ثروت در اسلام نام برد. نیکی کردن به «ذوی القربی» را «صلة رحم» می‌گویند. «ذوی القربی» یا خویشاوندان، کسانی‌اند که فرد به وسیله پدر و مادر یا پدر بزرگ و مادر بزرگ با آنان پیوند داشته باشد. دلیلی ندارد که به محارم منحصر باشد، اما قرابت واژه‌ای است که از نظر لغوی برای خویشاوندی وضع شده، گرچه از نظر نزدیک و دور بودن متفاوت باشد (رازی شافعی، ۱۴۱۱، ج ۵: ۳۷). اگر پدران، مادران یا اجداد به وظیفه خود نسبت به فرزندان و همسران خویش عمل کنند، گسترش فقر به طور چشمگیری مهار خواهد شد و فقط کسانی که فاقد والدین (یا اجداد) و فرزندان (و نوه و نتیجه)‌اند در طبقه فقرا قرار خواهند گرفت که با به اجرا درآمدن حکم استجاب نفقه خویشاوندان تقریباً فقیری باقی نخواهد ماند (رجایی، ۱۳۸۶: ۱۸۱). بدین ترتیب، می‌توان دریافت که اسلام با کنترل صحیح و توزیع عادلانه ثروت، عدالت اقتصادی را پی‌ریزی کرده است.

ه) نقش و تأثیر بندگی الهی در ارائه راهکارهای توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن

بندگی الهی مستلزم این است که دستورات و اوامر الهی را از منابع اسلامی استخراج و استنباط کنیم و در زندگی به کار ببندیم. مشکل اصلی اقتصاد در نگاه دین اسلام، کمبود نسبی و منابع طبیعی و عدم امکان افزایش آن نیست؛ بلکه اسلام، مشکل اساسی را به «انسان و رفتارهای اختیاری» او برمی‌گرداند. خداوند، منابع تولید همه نیازهای بشری را در زمین آفریده و به دست انسان سپرده است؛ اما انسان با ستم و کفران، امکانات خدادادی را هدر می‌دهد. انسان با ستمکاری‌های اقتصادی همچون توزیع نابرابر ثروت و مبادله‌های نادرست اقتصادی، جهان را به دو طبقه ثروتمند و فقیر تبدیل کرده و «مبادله» را که باید واسطه میان تولید و مصرف باشد، به ثروت‌اندوزی و بهره‌کشی درآورده است. انسان بدون وحی، با اختیار خود و با اراده ستمگرانه‌اش در امور اقتصادی، دست به توزیع و مبادلاتی می‌زند که عامل بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی و اخلاقی جامعه می‌شود. در مقابل، آموزه‌های دینی با شیوه‌های گوناگون سعی در مقابله و رفع این مشکل کرده است (محسنی، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۲۴). از ویژگی‌های اقتصاد اسلام، تأکید بر توزیع

اصغر رجبی ده برزوئی و همکاران ♦ ۵۰۹

فراگیر و عادلانه سرمایه‌هاست. قرآن کریم و معصومین (ع) به عنوان طبیبان درد آشنای الهی، راهکارهایی را برای توزیع متعادل ثروت بیان داشته‌اند.

۱. دستور و توصیه به ثروتمندان: از نظر اسلام، ثروت در جامعه باید بین افراد و اقشار گوناگون گردش داشته باشد و وضعی پیش نیاید که از یک سو، ثروتهای انبوه در دست عده‌ای معدود از افراد جامعه قرار گیرد و از دیگر سو، عده کثیری در اولیات و نیازهای ضروری زندگی خود مشکل داشته باشند.

آیت‌الله سبحانی در این زمینه تأکید دارد که تمرکز ثروت در دست طبقه‌ای خاص، امری است که اسلام به طور قطع آن را نمی‌پذیرد و دلیل این عدم پذیرش نیز مخالفت آن با اصل عدالت اجتماعی است که اسلام به عنوان یکی از اهداف اساسی خود، در پی اقامه و گسترش آن در جامعه بشری است. به عبارت دیگر؛ تمرکز ثروت در دست گروهی خاص و معدود، خلاف عدالت اجتماعی است و از این رو، این مسئله با منطق اسلام - که منطق عدالت است - سازگاری ندارد. به همین دلیل، حاکم اسلامی باید در حوزه اقتصاد به گونه‌ای سیاستگذاری کند که از چرخش و گردش ثروت در میان سرمایه‌داران و ثروتمندان جلوگیری کند. ایشان در این زمینه، به آیه ۳۷ سوره حشر استدلال کرده است که می‌فرماید: «کی لا یکون دولة بین الاغنیاء منکم». (سبحانی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۴۹۰)

بندگی الهی، انسان مؤمن را برمی‌انگیزد که پس از کسب ثروت از راه حلال، به آن نگرش صحیح داشته باشد و آن را نعمت الهی بداند؛ آخرت را در آنچه خدا به او داده است طلب کند: «و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب» (قصص: ۷۷)؛ به دنیایش در حد متعارف برسد: «بهرهات را از دنیا فراموش مکن» (همان)؛ با ثروتش بر دیگران فخر نفروشد؛ در زمین طغیان نکند؛ به شکرانه نعمتی که خداوند به او داده است به خلق خدا نیکی کند: «و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن» (همان) و ثروتش را در راه فساد و تباهی به کار نگیرد: «و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش که خدا مفسدان را دوست ندارد».

قرآن در رویارویی با پدیده انباشت ثروت، در خطاب مستقیم به افراد و صاحبان ثروت امر می‌فرماید که توجه لازم را به حقوق دیگران مبذول دارند و برای بهره‌مندی از نعمتهای دنیوی و جمع اموال، حقوق مردم را تضییع نکنند: «از اموال یکدیگر به ناحق بهره‌مند نشوید» (بقره: ۱۸۸). از سوی دیگر، توانگران و طبقه مرفه جامعه را از تظاهر به ثروت؛ یعنی از تجمل و آرایش مظاهر زندگی، از خانه و لباس و ماشین و غیره نهی فرموده و از مخارجی که در نظر عموم مردم غیر معمولی است و طبقه متوسط جامعه تحمل دیدن آن‌گونه خرجها را ندارد، تحت عنوان نهی از اسراف و تبذیر و امتثال آن، جلوگیری کرده است و غرض از اینها، ایجاد یک زندگی متوسط است که فاصله طبقاتی در آن فاحش و بیش از اندازه نباشد. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۷۴)

افزون بر مسئولیتهای پیشین، ثروتمندان در برابر فقیران مسئولیت ویژه دارند. برای آنان یگانه راه پیمودن مسیر تکامل، رسیدگی به یتیمان و اطعام مسکینان است؛ زیرا از نظر قرآن، اهتمام به امور فقیران و تلاش

۵۱۰ نقش و تأثیر بندگی الهی در نظام توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن

برای فقرزدایی آنقدر مهم است که از آن به عبور از «عَقَبَه» یاد شده است. عقبه به گردنه‌ای گفته می‌شود که عبور از آن دشوار و معمولاً یگانه مسیر عبور و مرور است: «ولی او از آن گردنه مهم نگذشت و تو چه می‌دانی آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده‌ای یا غذا دادن در روز گرسنگی، یتیمی از خویشاوندان یا مستمندی خاک‌نشین را» (بلد: ۱۶-۱۱). بنا به این تعبیر، ورود به مرحله تکامل و دستیابی به سعادت، جز با عبور از این گردنه میسر نیست. (رجایی، ۱۳۸۶: ۱۷۰)

البته طبیعی است که هر کس از امکانات بیشتری برخوردار باشد، مسئولیت بیشتری خواهد داشت. پس نباید بعد از جمع اموال از راه حلال، حقوق محرومان جامعه را نادیده بگیرد؛ چون در تعالیم اسلام اینگونه نیست که مال شخصی - به صرف آنکه از زحمت او به دست آمده - کاملاً به وی تعلق داشته باشد و در صورت تمایل از مال خود به محرومان و نیازمندان کمک کند، بلکه اساساً قسمتی از مال او به محرومان و بینوایان اختصاص دارد و حق آنان است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و در اموالشان سهمی برای سائل و محروم بود» (ذاریات: ۱۹) (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۵۳). واژه «حق» می‌رساند که تأمین نیازهای محرومان تنها توصیه اخلاقی نیست، بلکه مبنای حقوقی دارد. گویا از منظر دین، ثروتهای طبیعی به این شرط به بخش خصوصی واگذار شده است که حق نیازمندان و محرومان را پردازند. همچنین عبارت «للسائل و المحروم» که با لام ملکیت یا اختصاص آمده، مؤید همین مطالب است.

با مراجعه به قرآن، می‌توان مجموعه‌ای از دستورات و توصیه‌ها به ثروتمندان که به تحقق و بسط عدالت اقتصادی می‌انجامد، استنباط و استخراج کرد. به نظر می‌رسد تأکید اسلام بر اموری همچون: خمس، زکات، کفارات و انفاق‌ها و صدقات مستحبی بر همین مناسبت.

۲. مسئولیت حاکمان اسلامی: افزون بر موارد قبل، قرآن، دولت اسلامی را موظف به تأمین نیازهای این عده و رفع محرومیت آنها کرده است. لذا یکی از وظایف مهم و اساسی دولت و حکومت، ایجاد و استقرار و بسط عدالت اجتماعی است و یکی از عرصه‌های مهم عدالت اجتماعی، عدالت در زمینه اقتصاد است؛ به دلیل آنکه مسئله اقتصاد یکی از مسائل مهم و حیاتی هر جامعه و امری است که برای مردم بسیار ملموس بوده و در زندگی روزمره خود پیوسته با آن سروکار دارند. بود و نبود عدالت اقتصادی در تعیین سرنوشت جامعه و رضایت و عدم رضایت مردم بسیار مؤثر است. (رستم‌زاد، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

به نظر می‌رسد حکومت اسلامی باید سیاستهای توزیع عادلانه را به گونه‌ای طراحی کند که در اثر اجرای آنها اولاً، فقر از جامعه ریشه کن شود و ثانیاً، نوعی توازن و تعدیل نسبی در تقسیم ثروت و درآمد بین اقشار گوناگون اجتماعی به وجود آید؛ به گونه‌ای که شاهد شکافها و فاصله‌های عمیق و شدید طبقاتی و درامدی در جامعه نباشیم. در سیاستهای توزیع عادلانه مهم است که سیاستها به گونه‌ای وضع و اجرا شوند که به «رفع فقر» و «ایجاد توازن نسبی ثروت» در جامعه منتهی شوند.

برای تحقق عدالت اقتصادی، دولت اسلامی باید سیاستهایی را وضع و اجرا کند که در درجه اول، فقر و محرومیت برطرف شود. علاوه بر آن، سیاستها باید به گونه‌ای طراحی شوند که حرکت نظام اقتصادی در جهتی باشد که نوعی توازن نسبی بین ثروت اقشار مختلف جامعه ایجاد کند؛ به گونه‌ای که جامعه اسلامی شاهد شکافهای عمیق طبقاتی و اقتصادی نباشد. دولت اسلامی باید همه تلاش خود را به کار گیرد تا ثروت - همانند خونی که در پیکر انسان جاری است - به همه بخشهای مختلف کشور راه یابد. باید سیاستها و روشهایی را اتخاذ کند که سرمایه‌ها به گونه‌ای مطلوب در دست همه اقشار جامعه به گردش درآید و هر فردی از هر قشری بتواند به اندازه‌ی استعداد و لیاقتش به نفع خود و جامعه در کسب و به کارگیری ثروتها تلاش کند؛ نه آنکه عده‌ای خاص یا قشری متمایز، زمام امور مالی و اقتصادی کشور را به دست گیرند و دیگران محرومیت و فقر نصیبشان شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «کی لا یکون دوله بین الاغنیاء منکم» (حشر: ۷)؛ یعنی به گونه‌ای عمل نکنید که ثروت در یک جا انبوه شود و تنها بیم ثروتمندان دست به دست شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۴۶)

مسئولان و متولیان امر در حکومت اسلامی موظف‌اند همه تلاش خود را برای توزیع متعادل ثروتها و سرمایه‌ها در جامعه به کارگیرند و در این خصوص، مسئولیت سنگین بر دوش دارند تا نگذارند جامعه در پی عواقب ناشی از انباشت ثروت، متحمل زیانهای مادی و معنوی شود. نخستین قدم برای تعدیل مذکور، آن است که از خود شروع کنند و نگذارند اسباب و زمینه‌های رشد اختلاف مالی به دست خودشان در جامعه فراهم شود. آنان باید در توزیع سرمایه‌ها و امکانات ملی، همه اقشار را یکسان ببینند و هنگامی که می‌خواهند اصلاحی در جامعه به وجود آورند، نباید نگاه تبعیض‌آمیز و یک‌سویه داشته باشند و به بهانه‌های مختلف، امکانات مهم‌تر و بهتر را به اقشار مرفه‌تر ارائه دهند و محرومان را به حال خود واگذارند.

(و) بحث و نتیجه‌گیری

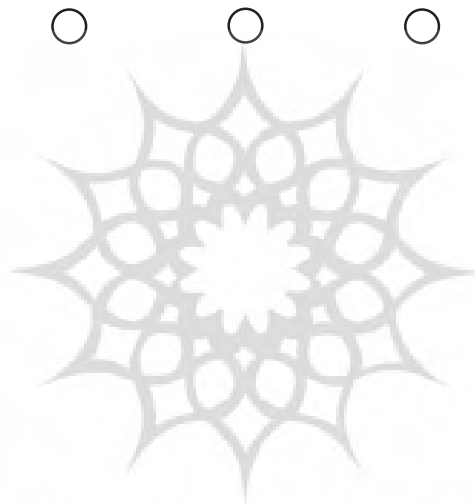
از میان سه رکن «تولید، توزیع، مصرف»، جایگاه توزیع در نظامهای اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نظام اقتصادی اسلام، مسئله توزیع بر خلاف نظامهای اقتصادی رایج (سوسیالیسم و کاپیتالیسم) که یکی از دو عنصر کار یا مالکیت را ملاک توزیع دانسته‌اند، با تأکید بر این دو عنصر، مبنای توزیع را بر اساس عدالت تعریف می‌کند.

با توجه به اینکه از منظر قرآن نوع رابطه انسان با خداوند باید رابطه بندگی باشد و این بندگی الهی در امور اقتصادی، انسان را به اطاعت و فرمانبرداری از خداوند متعال برمی‌انگیزد؛ لذا در مجموع می‌توان از قرآن چند اصل مهم را برای توزیع عادلانه ثروت که از ویژگی‌های بارز اقتصاد اسلامی است، به دست آورد:

۱. اقتصاد قرآنی بر کار و تلاش استوار است و آن را موجب پدید آمدن حق در ثروت‌های جامعه می‌داند.

۵۱۲ ◊ نقش و تأثیر بندگی الهی در نظام توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن

۲. مالکیت خصوصی و عمومی را پذیرفته است.
۳. معیشت قشرهای آسیب‌پذیر جامعه را در حد کفایت و نیاز با انفاقات (واجب و مستحب) تضمین کرده است.
۴. برای توزیع متعادل ثروت، به افراد جامعه، به خصوص ثروتمندان توصیه می‌کند که از تضييع حقوق مردم و استفاده ناحق از اموال یکدیگر بپرهیزند و سهم طبقه ضعیف را از اموال خود بدهند.
۵. تمليک بسیاری از منابع را در اختیار حاکم اسلامی قرار داده تا بر توزیع و چگونگی بهره‌برداری از آنها نظارت لازم و کافی صورت گیرد و دولتمردان را برای عدم ناهمگونی عمیق ثروت یا کاهش آن مورد خطاب قرار می‌دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۱). **اسرار الصلوه (پرواز در ملکوت)**. ترجمه سید احمد فهری زنجانی. قم: فیض کاشانی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). **نسبت دین و دنیا**. تحقیق تنظیم: علیرضا روغنی موفق. قم: اسراء.
- خلیلیان، محمدجمال (۱۳۸۴). **شاخصهای توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام**. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- خورشید، احمد (۱۳۷۴). **مطالعاتی در اقتصاد اسلامی**. ترجمه محمدجواد مهدوی. تهران: آستان قدس رضوی.
- دادگر، یدالله و تیمور رحمانی (۱۳۸۰). **مبانی و اصول اقتصاد**. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱). **مبانی اقتصاد اسلامی**. تهران: سمت.
- رازی شاصفی، فخرالدین محمد (۱۴۱۱ ق). **التفسیر الکبیر**. بیروت: دارالمکتب الاسلامیه.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۶ ق). **مفردات الفاظ قرآن**. بیروت: دارالقلم.
- رجایی، سید محمد کاظم (۱۳۸۶). **معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ دوم.
- رستم‌نژاد، مهدی (۱۳۸۷). «**قرآن و نظام توزیع ثروت**». *قرآن و علم*، ش ۲: ۱۵۰-۱۳۵.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۵ ق). **الکشاف**. قم: البلاغه.
- سبجانی، جعفر (۱۳۷۹). **مفاهیم القرآن**. قم: مؤسسه امام صادق.
- سرخسی (۱۳۸۷). **المبسوط**. مصر: دارالسعادت.
- شاطبی (۱۳۴۱ ق). **الموافقات**. مصر: السلیقه.
- شوقی فنجری، محمد (۱۴۰۲ ق). **الاسلام و عداله توزیع**. مجموعه ندوه الاقتصاد الاسلامی.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۷). **اقتصادنا**. قم: دارالفکر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۷). **تفسیر المیزان**. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: دفتر نشر اسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**. تحقیق سید احمد حسینی. قم: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۰۹ ق). **التبیان فی تفسیر القرآن**. تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی. قم: مکتب اعلام الاسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶). **القواعد**. تهران: سمت.
- قرطبی، ابوعبدالله محمد (۱۴۰۱ ق). **الجامع لاحکام القرآن**. قاهره: دارالنشر.
- ماوردی (۱۹۹۶ م). **الاحکام السلطانیه**. قاهره: مصطفی الجلسی.
- محسنی، سید علی اکبر (۱۳۸۸). **معیشت در زندگی دینی**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- محمودی گلپایگانی، سید محمد (۱۳۸۵). «**عدالت اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام و لبرالیزم**». پژوهشهای دینی، ش ۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). **مجموعه آثار**. قم: صدرا.

۵۱۴ ♦ نقش و تأثیر بندگی الهی در نظام توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۲). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۶). اسلام سنتی در دنیای متجدد. ترجمه محمد صالحی. تهران: سهروردی.
- یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۵۸). العروه الوثقی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- **Quran.**
- **Nahj al-Balagha (Approach to rhetoric.)**
- Amid Zanjani, Abbas Ali (۲۰۰۷). **Rules.** Tehran: position.
- Dadgar, Yadollah & Timur Rahmani (۲۰۰۱). **Principles and Principles of Economics.** Tehran: Islamic Propaganda Office Publications.
- Imam Khomeini, S. Rouh Allah (۲۰۱۲). **Secrets of Prayer (Flight in the Kingdom).** translated by Seyyed Ahmad Fahri Zanjani. Qom: published by Feyz Kashani.
- Javadi Amoli, Abdullah (۲۰۰۸). **The Relationship between Religion and the World.** Arranged Research: Alireza Roghani Mowaffaq. Qom: Esra Publishing.
- Khalilian, Mohammad Jamal (۲۰۰۵). **Indicators of Economic Development from the Perspective of Islam.** Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publishing Center.
- Khorshid, Ahmad (۱۹۹۵). **Studies in Islamic Economics.** translated by Mohammad Javad Mahdavi. Tehran: Astan Quds Razavi.
- Mahmoudi Golpayegani, Seyed Mohammad (۲۰۰۶). **“Social Justice in the Economic System of Islam and Liberalism”.** *Quarterly Journal of Religious Research*, No. ۵.
- Makarem Shirazi, Nasser & et al. (۲۰۰۳). **Sample Interpretation.** Tehran: Islamic Library.
- Mawardi (۱۹۹۶). **Al-Ahkam Al-Sultaniya.** Cairo: Mustafa Al-Majlisi Publications.
- Mohseni, Seyyed Ali Akbar (۲۰۰۹). **Livelihood in Religious Life.** Qom: Islamic Propaganda Office of the seminary.
- Motahari, Morteza (۱۹۹۵). **Collection of works.** Qom: Sadra Publications.
- Nasr, Seyed Hossein (۲۰۰۷). **Traditional Islam in the Modern World.** translated by Mohammad Salehi. Tehran: Suhrawardi Research and Publishing Office.
- Office of Cooperation between the seminary and the university (۱۹۹۲). **Fundamentals of Islamic Economics.** Tehran: Samat Organization.
- Qurtubi, Abu Abdullah Muhammad (۱۴۰۱ AH). **Al-Jame 'Lahkam Al-Quran.** Cairo: Dar Al-Nashr.
- Ragheb Isfahani, Hussein (۱۴۱۶ AH). **Vocabulary of Quranic words.** Beirut: Dar al-Qalam.
- Rajaei, Seyyed Mohammad Kazem (۲۰۰۷). **Thematic Dictionary of Economic Verses of the Quran.** Second Edition. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.